

# جنگ آلمان و شوروی

رادیوی آلمان در ۲۸ سپتامبر اخبار زیر را منتشر ساخت :

• نفقات در فاصله بی نهایت نزدیکی با دشمن مشغول پیکارند. پیشروی ممتد  
 • بمتراکم در نهایت مشقت اجرا میگردد. دشمن هر لحظه نقاط تازه ای که در  
 • آنجا بتواند مواضع دفاعی خود را مستقر سازد بدست میآورد. بناها، خانه ها،  
 • خرابه ها و زیر زمینها مورد استفاده او قرار میگیرند. موانعی که در خیابانها  
 • و کوچه ها قرار داده شده و بناهای مخروبه همه موانع بزرگی در مقابل  
 • حرکت اربابها و نیروی موتوریزه میباشند. بنابراین بار جنگ بدوش پیاده  
 • نظام که با اسلحه سنگین و مهندسی که با اسلحه مخصوص، شعله افکن و  
 • مواد منفجره اغلب در خط اول قرار میگیرند تحمیل میشود. وظایفی را که  
 • لوفت وافه، انجام میدهد بارها مورد تشریح قرار گرفته است. اینها بهترین  
 • و مؤثرترین وسیله از بین بردن آشیانه های دفاع دشمن یعنی نقاطی که در دسترس  
 • توپخانه قرار ندارد میباشند. با اینوصف پیاده نظام و مهندس دارای وظایف  
 • مشکل و محتاج به داشتن نفقات ورزیده میباشند. اینها باید با دشمنانی که  
 • هوایما با آنها هیچگونه دسترسی ندارد روبرو شوند و مستقیماً حمله نمایند.  
 • از اینرو پیشروی باید قدم بقدم انجام یابد.

رود، ولگا، ضمناً موجب نجات مدافعین، استالینگراد، گردیده بود.  
 آلمانیها شاید بعلمت آنکه دارای مواد لازم برای ساختن پل نبودند موفق بعبر  
 از این رود نگشتند لکن برای روسها این رود خانه تنها راه ارتباطی بین  
 استالینگراد، و سایر قسمت های روسیه بود.

سطح، ولگا، دیگر از کشتیهای کوچک بخار، کرجی ها، اتوبوسهای  
 آبی و کرجیهای بادبانی ماهیگیران پوشیده نبود بلکه در عوض کرجیهای زره پوش  
 و کشتیهای کوچک موتوری سریع السیر از اینطرف ساحل با آنطرف در حرکت  
 بودند و نیروی ذخیره، ادوات جنگی، مهمات، خوار بار و زخمیان را حمل مینمودند.

با آنکه این گرجیها دائماً مانند «دونکرك» در زیر باران گلوله بودند همچنان نقش بزرگی را در دفاع «استالینگراد» بازی نمودند. هنگام حمله هم این ادوات كوچك در طول رودخانه رفت و آمد نموده و در بی نتیجه گذاردن حملات دشمن سهیم بودند.

برای قطع رفت و آمد در «ولگا» آلمانها به بیکارهای سختی پرداختند. روسها بوسیله اتصال گرجیها بهم بالاخره موفق بساختن پلی بر روی رودخانه گردیدند و بیکار برای تخریب این پل را یکی از خلبانان آلمانی در پشت رادیو چنین تشریح نمود: «هرچه ما پل را خراب میگردیم بلشویکها آنرا دو باره» «تعمیر مینمودند» «موقعیکه ما از تخریب پل مراجعت مینمودیم رفقای نیروی زمینی» «ما با حرکت دادن دست از ماتشکر میگردند» «تعجب در آنست که چگونه ما از» «چنین مأموریت خطرناکی جان سلامت بدر می بردیم» «کارکنان هواپیما خواب» «و آرام نداشتند» «همینکه بمب به پل اصابت میکرد سطح رودخانه قبرستانی» «از گرجی میشد».

گذشتن از «ولگا» بدین ترتیب ناموقعی میسر بود که قطعات بزرگ یخ در سطح رودخانه بجریان نمی افتاد و سطح رود خانه بطور کلی از یخ مستور نمیگردید. در شهر «استالینگراد» مدافعین جسور در میان خرابه ها هنوز بزندگانی عادی خود ادامه میدادند. حزب کمونیست، هنوز مجامع خود را در زیر زمینهای عماراتی که با خاک یکسان شده بود تشکیل میداد. اعضاء انجمن از میان نفرات تازه وارد انتخاب و مقرری ماهیانه بر حسب معمول مانند آنکه اتفاقی رخ نداده جمع آوری میشد. «استالینگراد» هنوز دارای روزنامه روزانه خود بود که مرتباً هر روز صبح منتشر میشد.

بدین ترتیب مقاومت خلل ناپذیری که نظیر آن در تاریخ دیده نشده است

ادامه داشت.

مرکز فرماندهی آلمان از اشتباه خود در محاسبه راجع بزمان لازم برای تصرف «استالینگراد» سخت در شگفت بود. ژنرال «دیتمار» موقعیکه از «لوگزامبورگ» در پشت رادیو سخنرانی مینمود توانست ادله زیر را که باپوزش توأم بود بیان نماید: «میتوان گفت برای نخستین بار در تاریخ جنگهای اخیر نفرات» «ناگزیر شده اند در شهر مستحکم بزرگی بجنگ پردازند» «در جنگهای قبل»

«بیکار در حوالی شهر جریان داشت و طرفین حتی القوه از ادامه نبرد در داخل شهر احتراز میجستند. نیروی مهاجم چون میدان دید کافی نداشت و ناگزیر بود تلفات زیادی بدهد کوشش مینمود که عملیات جنگی حتی القوه در خارج شهر پایان یابد و شهر چون میوه رسیده ای بدست او افتد. در جنگ بین الملل گذشته بیکار جدی در شهر باین بزرگی دیده نشده بود. حتی شهرهای بزرگ از قبیل لیژ<sup>(۱)</sup>، نامور<sup>(۲)</sup>، آنورس<sup>(۳)</sup> و موبورژ<sup>(۴)</sup> قبل از آنکه مرکز شهر منطقه جنگ شود یا سقوط نموده و یا بوسیله دشمن تخلیه میشد حتی در ورشوه در سال ۱۹۳۹ بعلت ضربات سخت دلو فت و افه، جنگ بداخله شهر کشیده نشد. در ۱۹۴۰ پاریس، در لحظات آخر شهر بلاد فاع اعلام گردید. رزم در داخل شهر فقط در جنگهای داخلی سابقه دارد. دلیل آنهم کاملاً واضح است زیرا در این قبیل جنگها اغلب هدف پایتخت و مقر حکومت میباشد و شدت عداوتی که در طرفین نسبت بهم وجود دارد آنرا از ملاحظه آثار تمدن باز میدارد. موقعیکه استثناً طرفین دارای نیروی زیادی باشند جنگ در شهر همانطوریکه فعلا در استالینگراد، جریان دارد ادامه پیدا میکنند. جنگ ماک ماهون، علیه پاریس در سال ۱۷۹۱ و جنگ برای تصرف مادرید، در ۱۹۳۶-۳۷ شواهد برجسته ای، بر این مدعا میباشند. جنگ در استالینگراد، بدرجه ای رسیده که حتی در شهرهای بزرگ دیگر روسیه از قبیل کی یف، خار کف، و رستف، نظیر آن، وقوع نییوسته است.»

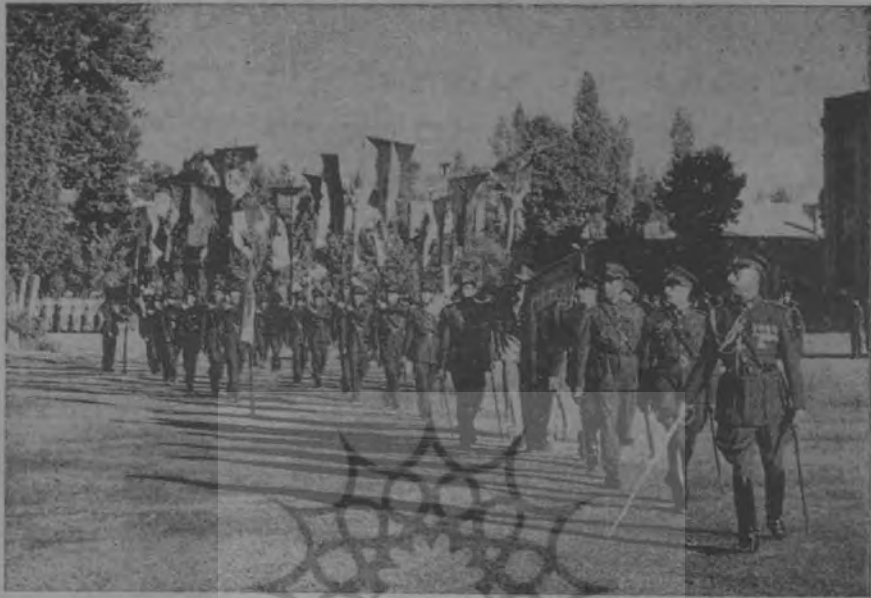
با وجود عدم موفقیت آلمانیها در آن در شرفت ضربات خود در استالینگراد میافزودند تا اینکه سرانجام فرماندهی کل شوروی نتوانست دیگر در مقابل فریادهای کمک و رهایی بخشیدن استالینگراد، از این مرحله هولناک مقاومت نماید. بنابراین تیموشنکو، مصمم باقدام گردید و بوسیله نیرویی که از شمال و جنوب آمده بودند شروع بحمله متقابله بجناح آلمانیها نمود. ظاهراً حملات روسها بعلت آنکه باندازه کافی نیروی کمکی در پشت سر نداشتند موثر واقع نگردید و تا آنجا که مشهود بود زحمت مدافعین شهر را تقلیل داد زیرا آلمانیها برای دفع حملات روسها بتقویت نیروی جناحین خود پرداختند.

۱- Liège

۳- Anvers

۲- Namur

۴- Maubeuge



دو منظره از رژه دانشکده افسری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

درسی ام سی‌تامپر، هیتلر، باردیگر بسخترانی پرداخت و ادعا نمود که هر موقع میل و اراده او تعلق گیرد میتواند استالینگراد، را تصرف نماید. لکن چون بوسیله توپها و هواپیماها رود، ولگا، را در اختیار کامل خود دارد لذا بمخاطره انداختن جان نقرات خود را ضروری نمی‌بیند. با آنکه پیشوای آلمان همیشه در سخنانیهای خود بوقایع درخشان تاریخ اشاره مینمود معذاهای چو وقت بواقعه تأثر انگیزی که در تاریخ یونان قدیم مسطور است توجه نمیکرد و گوئی هرگز حادثه حزن انگیز «اشیلوس»<sup>(۱)</sup> را که در افسانه «پرومتوس»<sup>(۲)</sup> ذکر شده نشنیده و از اینکه چگونه این موجود ما فوق بشر با آسمان رفته، آتش خدایان را بسرقت ربوده و برای استفاده هموعان خویش بزمین آورده بود اطلاعی نداشت. افسانه مزبور چنین می‌گوید که چون این شخص از حد خود قدم فراتر نهاد و بحق خداوندان دست درازی نمود محکوم گردید که در کوه قفقاز در زنجیر نهاده شود و عقابی جگر او را بامنقار از جسدی که محکوم بحیات ابدی بود بیرون آورد. در روزهای آخر ماه سپتامبر وضع روسها فوق‌العاده خطرناک بود. با آنکه «استالینگراد» هنوز مشغول مدافعه و جاههای نفت، گروژنی، در دست روسها بود معذرا آتیه بکلی تاریک بنظر میرسید. در این موقع بود که مستر «وندل ویلکی»<sup>(۳)</sup> که بسمت نمایندگی ویژه مستر «روزولت» در کشورهای جهان مشغول گردش بود در پایان اقامت خود در «مسکو» نظریه خویش را برای روسها بیان نمود. چون مستر «ویلکی» بآن غلب از سران شوروی ملاقات نموده بود لذا گفته‌های او را جمع بتلفات روسها در ۱۵ ماهه بین اول تابستان ۱۹۴۱ تا پایان تابستان ۱۹۴۲ رامیتوان مقرون بصحت دانست. طبق اظهار او «۶۰،۰۰۰،۰۰۰ روسی یعنی یک سوم جمعیت روسیه در تحت تسلط آلمانها بسر میبردند. تلفات ارتش سرخ در روز به ۱۰،۰۰۰ نفر میرسید. وضع خواربار روسها چندان رضایت بخش نبود و احتمال کلی میرفت در زمستان آنسال بنهایت دشواری برسد. کمبود سوخت بهمین درجه زیاد بود (بدیهی است موقعیکه سرما و گرسنگی باهم توأم شوند چه تلفات موحشی وارد می‌آوردند) پوشاک اشخاص غیر نظامی نایاب و دارو بهیچوجه تکافی نیاز مندیهای آنها را نمینمود.

۱ - Aeschylus

۳ - Wendell Willkie

۲ - Prometheus

این بود مختصری از وضع تاریک و دلخراش روسیه آنهاست که بوضع عمومی روسیه آگاهند میدانند که مستر ویلکی، در اظهارات خود به پیچوجه راه اغراق نپیموده است. طبق اظهار او روسها با وجود عدم موفقیت‌های نظامی با تصمیم خلل ناپذیری مشغول ادامه جنگ میباشند و مصممند یا شاهد پیروزی و یا عفریت مرگ را در آغوش گیرند لکن در همه احوال دم از پیروزی میزنند.

مستر ویلکی، در تمام مدت اقامت خود چون بهتر از همه میتواند از روحیه افراد پشت جبهه اطلاع حاصل نماید در کلیه افراد کشور یک روح جنگجوئی غریبی مشاهده نموده است موضوعی که بیشتر موجب شگفت او گردیده مقدار کاری بود که انجام داده میشد. با هر کس که در جبهه، کارخانه و یا مزرعه روبرو میگردد یکی از افراد فامیل او یا در جنگ و یا کشته شده بود. از اطفال ده ساله ایکه بر روی نیتکتهای کارخانه‌ها مشاهده میشدند تا دهقانان سالخورده همه در پیشرفت جنگ شرکت می نمودند.

نظریه روسها راجع بوضع نظامی جنگ در این موقع در روزنامه کراسنایا ازوزدا،<sup>(۱)</sup> تا اندازه‌ای تشریح شده بود. جنگی که در جنوب ادامه داشت نه تنها از لحاظ روسیه بلکه از نقطه نظر کلیه متفقین این کشور حائز اهمیت بود. سقوط استالینگراد، اساس جبهه روسها را دوهم می پاشید و نیروی مهاجم «فن بوک» را قادر میساخت که بدون هیچ مانعی وارد قفقاز گردد. بر اثر تصرف «استالینگراد» ارتش آلمان میتواند استراحت کند و کوزستان ماوای آماده ای بدست آورد. اگرچه قسمت مهمی از شهر بخرابه تبدیل شده بود معینا استقرار آلمانیها در ساحل «ولگا» آنها را قادر میساخت که روسها را تا مسافت زیادی در دهات متفرق و از خود دور نگاهدارند.

از طرف دیگر آزاد شدن نیروی آلمانی در «استالینگراد» موجب شدت تهدید آلمانیها بمواضع شمالی روسها میگردد. «لنین گراد» هنوز تحت محاصره و گرچه وضع محاصره شدکان از سال قبل بهتر بود معینا تقویت نیروی «فن لیب»<sup>(۲)</sup> در این منطقه موجب دشواری وضع روسها میگردد. از همه مهمتر آنکه روسها در نتیجه از دست دادن «استالینگراد» مبدأ حملات آتیه خود را از دست میدادند.



اعلیحضرت همایونی هنگام اعطاء جوایز در جشن دانشکده افسری

می  
راق  
مهم  
یت  
حیة  
نی  
ار  
رو  
اله  
ده  
یا  
از  
ظ  
را  
ت  
ها  
ت  
ه  
ه  
ه  
ه





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

با آنکه پیش‌بینی‌های راجع ببدی وضع روسها تا اندازه‌ای حقیقت داشت. مع‌هذا باید متوجه بود که در عین حال جریان شدید تبلیغات راجع بلزوم ایجاد جبههٔ دوم هم در روسیه وجود داشت. متقاعد ساختن مستر ویلکی، راجع بسختی وضع روسها عمل دشواری نبود. او کاملاً در تحت تأثیر وضعی که خود ناظر آن بود قرار گرفته بود.

موقعیکه جنگ بین الملل قبل و بحران سال ۱۹۱۸ را در نظر بیاوریم و از طرف دیگر جنگهای گذشته را مورد مطالعه قرار دهیم میبینیم آنطوریکه مأمورین تبلیغات شوروی جلوه میدادند وضع این کشور خطرناک نبود. البته خطر غیر قابل انکاری وجود داشت و بهمین علت تیموشسکو، در سال ۱۹۴۲ چنین اعلام نمود که: «من نه تنها علیه ارتش آلمان بلکه با قدرت صنعتی کلیه کشورهای اروپا در جنگ میباشم».

نا تمام



ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی